

تلویزیون، کامپیوتر، ماهواره و خلاصه به عصر تکنولوژی پیشرفته رسید، شایان تقدیر است. اما متأسفانه امروزه با این واقعیت مواجهیم که عدهٔ کثیری از مردم سراسر دنیا قادر به خواندن و نوشتن نیستند. براساس اطلاعات یونسکو تقریباً یک میلیارد نفر از مردم جهان بیسواد هستند. یعنی یک سوم از ساکنان کرهٔ زمین توانایی خواندن متون مکتوب را ندارند و اهمیت این امر از نظر آنان پوشیده است. یک فرد بیسواد ملزم به انتقال سنتی آداب و رسوم زندگی است، بدون آن که هیچ پیشرفتی داشته باشد.

در بسیاری از تحقیقات علمی به اثبات رسیده است که میان بیسوادی و فقر همبستگی مثبتی وجود دارد. حدود ۹۸٪ از کل بیسوادان دنیا در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند. برخی از کشورهایی که تقریباً نیمی یا حتی بیشتر مردم آن بیسوادند عبارتند از:

سودان ۷۲/۸٪، پاکستان ۶۵/۴٪، بنگلادش ۴۶/۷٪، نیجریه ۴۹/۲٪، هند ۵۴/۷٪، مصر ۵۱/۵٪، آفریقای شرقی و مرکزی ۵۰/۳٪ و ایران با ۴۶/۲٪ بیسواد بعد از آنها قرار می‌گیرد.^۱

توجه به تعداد زنان بیسواد در برخی از کشورها، مسألهٔ بیسوادی را جدی تر و حادتر نمایان می‌سازد. از هر صد نفر بیسواد در کشورهای درحال توسعه، در حدود ۷۰ نفر از زنان و دختران هستند. مقایسهٔ آماری از سال ۱۹۶۰، بیانگر رشد مداوم بیسوادی زنان است. در سال ۱۹۶۰ از هر صد نفر بیسواد، ۵۸ نفر و در سال ۱۹۷۰ از هر صد نفر بیسواد، ۶۰ نفر از زنان تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۸۵ از هر صد نفر بیسواد، ۶۳ نفر زن بودند و امروزه این رقم به

زنان

و

مستلیم و تربیت

نوشته: خانم دکتر آویله پاشالیچ کرسو
استاد دانشگاه ساریوو

ترجمه: صادق صالحی

تقریباً از پنج هزار سال پیش انسان توانست آنچه را که می‌گوید بنویسد و آنچه را که می‌نویسد، بخواند. بنابراین از هزاران سال پیش اجداد انسان می‌دانستند که چگونه به طرق مختلف، زندگی و هستی شان را به صورت رمز درآورده، رموزش را دریابند. آن کمال فرهنگی که بیانگر تجربه و دانش یک نسل و هدفش مفید بودن برای نسل بعدی است توانست بر پیشرفت کل تمدن بشری تأثیر گذارد. سواد آموزی به عنوان یک نماده اساس هرگونه آموزش منظم قرار گرفت. ابداع کتابت و قرائت که از طریق آن انسان به عصر هوابیما،



حدود ۷۰ نفر می رسد.^۲

حتی زنان تحصیل کرده از نظر میزان تحصیلات به طور بارزی پایین تر از مردان قرار دارند. این امر در کشورهای پیشرفته غربی نیز دیده می شود. این عقب ماندگی زنان در سراسر دنیا از ۴٪ تا ۳۰٪ در مقایسه با مردان متفاوت است.^۳

بدون انجام هرگونه تحقیقات یا مطالعات خاصی، ما می توانیم بعضی از تفاوت های موجود میان مردان و زنان را برشماریم. بدن زن متناسب با وظیفه مادری و تولید مثل آفریده شده و بدن مرد متناسب با انجام کارهای جسمانی سخت و نیز محافظت و دفاع از خانواده است. این تفاوت های طبیعی و بیولوژیکی (زیستی) مشخص کننده کارکردهای اصلی تولید مثل بوده، مبتنی بر اهداف ویژه ای است. ما نمی توانیم خصوصیات و شیوه های زیستی زن و مرد را

تغییر دهیم. (هرچند که در کشورهای غربی دختران سعی می کنند با پوشیدن شلوارهای جین و کوتاه کردن موها و پسران با بلند نگاه داشتن موهای خود، از تمایزات میان مردان و زنان بکاهند)، اما به هر حال، برحسب نقشهای جسمانی و بیولوژیکی زن، زن باقی می ماند و مرد، مرد.

آیا این تمایزات آشکار بیرونی میان زن و مرد، باعث تفاوت های درونی در فضای ذهنی آنان می شود؟ آیا می توانیم برخی از عقاید را بپذیریم که زنان و دختران نسبت به مردان و پسران از قوای ذهنی کمتری برخوردارند؟ از دیدگاه برخی از جدایی طلبها و جدایی طلبان محافظه کار، پاسخ هر دو سؤال مثبت خواهد بود. اما همه تحقیقات علمی و ژنتیکی تأیید می کند که بین مغز زن و مرد و نیز میان قابلیت های ذهنی مرد و زن هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد. همچنین تحقیقات و داده های

دید ارتقای اجتماعی، زیرا تمامی پست های سیاسی، مدیریتی و سایر پست های مهم، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، در اختیار مردان بوده، دستمزد زنان نیز همیشه کمتر از مردان است).

۴- فقدان انگیزه تحصیلی در خود زنان (زن خود در مواجهه با موانع موجود در خانواده و جامعه، از تحصیل خود داری می ورزد).

براساس این شناخت، می توانیم نتیجه بگیریم که بسیاری از تمایزات غیر بیولوژیکی، میان زنان و مردان ناشی از سطوح مختلف تعلیم و تربیت است که خود موجب تمامی نابرابریهای دیگر می شود.

چنانچه عقاید زنان را مورد بررسی قرار دهیم، خواهیم دید که بسیاری از آنها از پایگاه واقعی شان در خانواده و جامعه اظهار رضایت می کنند. به عبارت دیگر حتی اگر آنها بی سواد هم باشند، باز هم نیاز واقعی خود را به

تجربی زیادی وجود دارد که نشان می دهد یک زن می تواند هر سطح تحصیلی را با موفقیت مشابه مرد به اتمام رساند، و نیز می تواند هر نوع شغلی را که انتخاب می کند با موفقیت انجام دهد. امروزه، پایین تر بودن آشکار سطح تحصیلات زنان، به هیچ وجه نمی تواند به موضوع ژنتیک مربوط باشد. تمایزات فعلی میان مردان و زنان می تواند صرفاً محصولی از عوامل اجتماعی مختلف، موانع و فقدان انگیزه در زنان باشد. به عنوان مثال:

۱- فقدان انگیزه و ممانعت از تحصیل در خانواده پدری (دختران، به خاطر انجام کارهای خانه و ازدواج زودرس، از مدرسه رفتن محروم می شوند).

۲- فقدان انگیزه و ممانعت از تحصیل در خانواده شوهر (به خاطر وظایف مادری، خانه داری، تسلط شوهرها و غیره)

۳- فقدان انگیزه تحصیلی در جامعه (عدم



تحصیل ابراز نخواهند کرد.

فرزندانشان را تضمین خواهیم کرد.

بنابراین آنچه که گفته شد می توان به نتایج
زیر دست یافت:

مادر تحصیل کرده بر سطح تحصیلات
فرزندانش اثر می گذارد.

مادر تحصیل کرده از نظر خانه داری
کارآمدتر است و فرزندانی تندرست و با
تغذیه ای بهتر پرورش می دهد.

مادر تحصیل کرده زندگی شخصی مفیدتر
و مطلوبتری دارد.

مادر تحصیل کرده شانس بیشتری برای
پیوند با زندگی اجتماعی دارد.

مادر تحصیل کرده خودش را مظلوم و دارای
نقش ثانویه نمی داند.

سخن آخر اینکه کاهش بیسوادی و افزایش
سطح تحصیلات در میان زنان کشورهای در
حال توسعه، قبل از هر چیز نیازمند تصمیم گیری
اجتماعی قطعی و بسیار قوی است. در ضمن،
غلبه بر بسیاری از تعصبات فرهنگی و سنتی که
در برابر تحصیل زنان وجود دارد، ضروری می-
نماید. البته زنان نیز می بایست افکار و شیوه
نگرششان را نسبت به امر تحصیل تغییر دهند.

چرا تحصیل ضروری است؟

دستاوردهای تحصیل و آموزش برای
هر یک از اعضای خانواده، بویژه مادر، چیست؟
اگر این مقاله تا کنون نتوانسته است آنچنان که
باید فایده آموزش را بیان کند، اجازه بدهید
تأکید نمایم که:

بررسیهای علمی ثابت کرده است که سطح
تحصیلات مادر موجب برانگیختن فرزندان
می شود تا حداقل برای رسیدن به میزان
تحصیلات مادرشان، تلاش کنند. همچنین
تحقیقات مذکور نشان داده است که ارتباط بین
سطح تحصیلات مادر و فرزندان، از ارتباط بین
سطح تحصیلات پدر و فرزندان معنادارتر است.
اگر همیشه فرزندان بخواهند به سطح
تحصیلات مادر یا بالاتر از آن دست یابند،
شاید بتوانیم کلید حل مشکل بیسوادی در میان
بزرگسالان و قبل از همه مادران را پیدا کنیم. به
بیان دیگر اگر ما موفق شویم که ۱۰ یا ۲۰٪ از
مادران را در یک کشور باسواد سازیم،
خودبخود افزایش سواد آموزی میان

منابع:

- 1 - NASCIMENTO G., L AN ALPHABETISME EN CHIFFRES, UNESCO, BUREAU INTERNATIONAL D,EDUCATION, PARIS 1990, P.6 -9.
- 2 - LIND A., MOBILISER LES FEMMES POUR L ALPHABETISATION UNESCO, B.L.D., PARIS 1990, P.2
- 3 - UNESCO, EQUALITY OF EDUCATIONAL OPPORTUNITY FOR GIRLS AND WOMEN, UNESCO. PARIS 1989.